



دانشگاه پیام نور

(مرکز تهران)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

آسیب شناسی اجتماعی در ادبیات عرفانی

(از اوایل قرن پنجم تا آخر قرن هفتم)

رساله :

برای دریافت درجه ی دکتری

در رشته زبان و ادبیات فارسی (Ph.D)

نگارش :

مرضیه بهبهانی

استاد راهنما :

دکتر عبدالحسین فرزاد

استاد مشاور :

دکتر حسین نجف دری

استاد مشاور :

دکتر فاطمه کوپا

پائیز ۱۳۸۷

نام خانوادگی دانشجو : بهبهانی
نام : مرضیه
عنوان رساله : آسیب شناسی اجتماعی در ادبیات عرفانی (از اوایل قرن پنجم تا آخر قرن هفتم)
استاد راهنما : دکتر عبدالحسین فرزاد
استاد مشاور : دکتر حسین نجف دری
استاد مشاور : دکتر فاطمه کوپا
مقطع تحصیلی : دکتری
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : محض
دانشگاه : پیام نور- تهران
دانشکده : ادبیات و علوم انسانی
تاریخ فارغ التحصیلی :
تعداد صفحه : ۳۵۷

چکیده :

آسیب شناسی اجتماعی مطالعه ی خاستگاه اختلالات ، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی است . اگر در جامعه ای هنجار ها مراعات نشود ، کج روی پدید می آید و رفتار آسیب می بیند . مطالعه ی علمی این گونه نابسامانی ها در جامعه ی انسانی آسیب شناسی اجتماعی است . تشخیص آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی با ملاک های فرهنگی و ارزشهای حاکم بر هر جامعه امکان پذیر است .

از آنجا که ارتباطی تنگاتنگ بین ادبیات و اجتماع وجود دارد و تأثیر متقابل این دو بر هم تا حدی است که شاید بتوان گفت ادبیات اصلی ترین نمود اوضاع و شرایط جوامع است و مهم ترین عامل در انتقال فرهنگ و دگرگونی آن . از این رو نقد اجتماعی در ادبیات یا به عبارت دیگر بررسی جامعه شناسانه اثر ادبی می تواند هم اجتماع را به ما بهتر بشناساند و هم شرایط تکوین آثار ادبی را دقیق تر بنمایاند . با توجه به اینکه ادبیات آینه تمام نمای هستی مردم عصر خویش است و متون عرفانی بخش عمده ای از ادبیات این سرزمین را به خود اختصاص داده است و از آنجا که تأثیر افکار عرفا تا زمان حاضر نیز ادامه دارد بر آنیم تا با بررسی متون عرفانی به آسیب های اجتماعی رایج در برهه ای از تاریخ ایران زمین پردازیم . انتخاب این دوره از این روست که این عصر (اوایل قرن پنجم تا آخر قرن هفتم) اوج تجلی افکار عرفانی در آثار ادبی است . اغلب آثار مهم این دوره تماما " یا به گونه ای بیان گر تصوف و عرفان است .

واژگان کلیدی

آسیب شناسی اجتماعی، ادبیات، عرفان، جامعه شناسی ادبیات، نقد اجتماعی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
-۱-	چکیده

کلیات

۲	مقدمه
۴	تعریف مسئله و بیان سؤال های تحقیق
۴	پیشینه و اهمیت تحقیق
۴	فرضیه ها
۵	اهداف تحقیق
۵	روش تحقیق

گفتار اول : جامعه

۷	جامعه
۷	ماهیت جامعه
۱۲	جمع بندی و خلاصه ی بحث
۱۳	جامعه شناسی
۱۵	پایه گذاران و نظریه پردازان جامعه شناسی
۱۸	مسئله ی اجتماعی و رویکردهای نظری به آن
۱۹	نظریه ی کارکرد گرایی
۲۰	نظریه ی ساختگرایی
۲۲	نظریه ی تضاد
۲۳	نظریه ی آسیب شناسی اجتماعی
۲۵	تأثیر رویکرد های دیگر بر آسیب شناسی اجتماعی
۲۷	ارزش ، هنجار و انحراف
۳۰	هدف ها و مقاصد آسیب شناسی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
-------	------

گفتار دوم : نقد اجتماعی

نقد اجتماعی	۳۲
ارتباط رئالیسم و نقد اجتماعی	۳۸
جامعه شناسی ادبیات و نقد اجتماعی	۴۰
تاریخچه ی جامعه شناسی ادبیات	۴۲
ساختگرایی تکوینی	۴۵

گفتار سوم : ساختارهای جامعه ی ایران از بعد از اسلام تا دوره ی مغول

ساختارهای جامعه ی ایران پیش از اسلام تا ورود اسلام به ایران	۵۰
طاهریان	۵۸
صفاریان	۶۰
سامانیان	۶۳
زیاریان	۶۹
آل بویه	۷۰
غزنویان	۷۲
سلجوقیان	۷۷
اتابکان	۸۰
خوارزمشاهیان	۸۲
قرن هفتم (حمله ی مغول)	۸۴
آغاز اولین حملات مغول	۸۹
اوضاع اجتماعی ایران در قرن هفتم	۹۴
اخلاق عمومی پس از حمله ی مغول	۱۰۰
ساختار های بیمار گونه ی جامعه ی ایران در آستانه ی حمله ی مغول	۱۰۶

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

گفتار چهارم : عرفان و تصوف

۱۱۳	عرفان و تصوف
۱۲۱	سیر تصوف از آغاز تا قرن هفتم
۱۳۳	تأثیر آرای غزالی و ابن عربی در تصوف
۱۴۳	ملاطیه ، اهل فتوت و قلندریان
۱۴۷	ادبیات عرفانی

گفتار پنجم : هنجارهای اجتماعی از قرن پنجم تا هفتم

۱۵۲	هنجارهای اجتماعی
۱۵۳	انواع هنجارها
۱۵۴	هنجارهای اجتماعی مردم ایران در قرن پنجم تا هفتم
۱۷۲	کندی تحرک و تطور اجتماعی در قرن پنجم تا هفتم
۱۷۵	برخی آسیب های اجتماعی شایع ناشی از ناهنجاری های اجتماعی

گفتار ششم : انعکاس آسیب های اجتماعی در ادبیات عرفانی

(نمونه ها و شواهد)

۱۷۸	آثار عرفانی نمونه از قرن پنجم تا هفتم
۱۷۹	آثار عرفانی منشور
۱۷۹	کشف المحجوب
۱۸۰	اسرار التوحید
۱۸۱	تذکره الاولیاء

۱۸۲ مرصاد العباد
۱۸۳ مقالات شمس تبریزی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۸۴ آثار عرفانی منظوم
۱۸۵ حدیقه الحقیقه
۱۸۶ مثنوی های عطار
۱۸۷ اسرار نامه
۱۸۷ مصیبت نامه
۱۸۸ الهی نامه
۱۸۸ منطق الطیر
۱۸۹ مثنوی مولوی
۱۹۱ مخزن الاسرار
۱۹۱ بوستان
۱۹۲ ۱- تقدیر گرایی و جبر اندیشی
۱۹۴ کشف المحجوب
۱۹۴ اسرار التوحید
۱۹۵ تذکره الاولیاء
۱۹۶ مرصاد العباد
۱۹۷ مقالات شمس تبریزی
۱۹۷ حدیقه الحقیقه
۱۹۸ مثنوی های عطار
۲۰۰ مثنوی مولوی
۲۰۲ بوستان
۲۰۴ ۲- ظلم و جور طبقه ی حاکم و کارگزاران آنها
۲۰۶ کشف المحجوب
۲۰۶ اسرار التوحید

تذکره الاولیاء.....	۲۰۹
مرصاد العباد.....	۲۱۰

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
حدیقه الحقیقه.....	۲۱۲
مثنوی های عطار.....	۲۱۵
مثنوی مولوی.....	۲۱۹
مخزن الاسرار.....	۲۲۲
بوستان.....	۲۲۳
۳- تجاوز بیگانگان و تسلیم در برابر آنها.....	۲۲۶
اسرار التوحید.....	۲۲۶
مرصاد العباد.....	۲۲۹
مقالات شمس.....	۲۳۰
حدیقه الحقیقه.....	۲۳۰
مثنوی های عطار.....	۲۳۱
مثنوی مولوی.....	۲۳۱
بوستان.....	۲۳۳
۴- تضاد طبقاتی فاحش ، فقر و بینوایی مرد ستم دیده ، اوضاع نابسامان اقتصادی.....	۲۳۴
تذکره الاولیاء.....	۲۳۴
مرصاد العباد.....	۲۳۵
مقالات شمس.....	۲۳۵
حدیقه الحقیقه.....	۲۳۶
مثنوی های عطار.....	۲۳۷
مثنوی مولوی.....	۲۴۳
مخزن الاسرار.....	۲۴۵
بوستان.....	۲۴۷
۵- رواج دروغگویی و دغل کاری و تزویر و ریا در بین چهره های موجه اجتماع.....	۲۵۳

کشف المحجوب	۲۵۳
اسرار التوحید	۲۵۵

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
تذکره الاولیاء	۲۵۶
مرصاد العباد	۲۵۸
مقالات شمس	۲۵۹
حدیقه الحقیقه	۲۶۰
مثنوی های عطار	۲۶۳
مثنوی مولوی	۲۶۵
بوستان	۲۶۶
۶- عدم توجه به علما و صاحبان اندیشه و مطرود شدن آنها افول خرد گرایی	
و رواج سفله سالاری	۲۶۹
تذکره الاولیاء	۲۷۰
حدیقه الحقیقه	۲۷۱
مثنوی های عطار	۲۷۴
مثنوی مولوی	۲۷۶
مخزن الاسرار	۲۷۸
بوستان	۲۷۹
۷- تعصب ، فرقه گرایی و تفتیش عقاید	
اسرار التوحید	۲۸۰
تذکره الاولیاء	۲۸۱
مرصاد العباد	۲۸۲
مقالات شمس	۲۸۳
حدیقه الحقیقه	۲۸۵
مثنوی های عطار	۲۸۶
مثنوی مولوی	۲۸۸

۸- انواع مفسد اخلاقی به خصوص مفسد جنسی چون همجنس گرایی..... ۲۹۰

اسرار التوحید..... ۲۹۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۹۳	تذکره الاولیاء.....
۲۹۴	مقالات شمس.....
۲۹۴	حدیقه الحقیقه.....
۲۹۵	مثنوی های عطار.....
۲۹۷	مثنوی مولوی.....
۲۹۸	بوستان.....
۳۰۰	نگاه به زن و تأثیر آن در انحرافات اخلاقی.....
۳۰۳	انحرافات اجتماعی دیگر.....
۳۰۵	تقلب ، کلاشی و قمار.....
۳۰۶	فساد و فحشا.....
۳۰۸	۹- خود را به دیوانگی زدن (عقلای مجانین).....
۳۱۰	اسرار التوحید.....
۳۱۰	تذکره الاولیاء.....
۳۱۱	حدیقه الحقیقه.....
۳۱۱	مثنوی های عطار.....
۳۱۸	۱۰- رواج خرافات.....
۳۲۰	سر انجام سخن.....
۳۲۹	فهرست اعلام.....
۳۴۰	فهرست منابع.....
۳۴۶	چکیده ی انگلیسی.....

کلیات

مقدمه:

ادبیات آینه‌ی شفاف و تمام‌نمای هر جامعه‌ای است. آنجا که تاریخ از بیان واقعیت در می‌ماند، ادبیات رسالت خود را آغاز می‌کند. ادبیات اصیل‌ترین نمود اوضاع و شرایط جامعه است و مهم‌ترین عامل در انتقال فرهنگ و اندیشه و دگرگونی آن. از این روست که نقد اجتماعی در ادبیات یا بررسی جامعه‌شناختی آثار ادبی می‌تواند اجتماع را بهتر به ما بشناساند. از طرفی دیگر ارتباط بین ادبیات و جامعه در شناخت شرایط تکوین اثر ادبی نیز ما را یاری می‌دهد و این شناخت دو سویه به شناسایی دقیق و عمیق فرهنگ جامعه می‌انجامد.

در واقع جامعه‌شناسی ادبیات کمبودی را که تاریخ ادبیات سنتی و تذکره‌ها قادر به جبران آن نیست جبران می‌کند؛ زیرا این نوع از تاریخ ادبیات از قالب‌های فکری نویسنده در پیوند با ساختارهای جمعی محیط او سخن نمی‌گوید، سبک کار او را با تحولات اجتماعی و اقتصادی زمان او در ارتباط قرار نمی‌دهد و فرایند آفرینش هنری را در آثار او تحلیل نمی‌کند. تاریخ ادبیات سنتی از قرار دادن اندیشه‌های نویسنده در بستر تاریخ و در نتیجه بررسی تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی

و شخصیتی بر ساختار و محتوای اثر ناتوان است. به بیان دیگر این نوع تاریخ ادبیات نویسی به نحوه ی کارکرد ادبیات در جامعه توجهی ندارد. چنین است که نقد جامعه شناختی به ما کمک می کند تا از ارتکاب اشتباه درباره ی ماهیت اثر ادبی و تأثیر متقابل ادبیات و اجتماع مصون بمانیم. نقد جامعه شناختی خواننده را از علل تکرار پاره ای ویژگی های ادبی در یک دوره ی خاص آگاه می کند و موشکافانه از لابلای اثر ادبی واقعیت های اجتماع را نشان می دهد.

قصیده و غزل، حکم و امثال، طنزها و کنایات، اسطوره ها و اندرزها، ارزشها و باورهای ما همه بستری است که رودخانه ی فرهنگی ما در آن جاری است. این است که تاریخ ما ادبیات ما و ادبیات ما تاریخ ما را می سازد. به قول جلال آل احمد: «اصیل ترین اسناد تاریخ هر ملتی ادبیات است و مابقی جعل است.»

بخش عمده ای از عمر پر بار ادبیات ایران را ادب عرفانی این سرزمین به خود اختصاص داده است و نیز می توان گفت که گرانبهاترین هدیه ای که ادبیات و فرهنگ ایرانی به جهان تقدیم کرده است ادبیات عرفانی است. ادبیات عرفانی ما تا امروز نیز در ذهن و زبان مردم این مرز و بوم و حتی جهان مشهود است، تا آنجا که می بینیم در قرن بیستم خورخه لوئیس بورخس نویسنده ی آرژانتینی و یکی از بنیان گذاران پست مدرنیسم در ادبیات داستانی شیدای عطار نیشابوری است و لوئی آراگون شاعر سوررئالیست فرانسوی مرید عبدالرحمن جامی.

در این پژوهش برآنیم تا با کند و کاوی در ادبیات عرفانی قرن پنجم تا هفتم که پر بارترین دوره ی ادبیات و تفکر عرفانی است جامعه ی ایرانی این دوره را نیز بشناسیم:

در گفتار نخست این رساله به تعریف جامعه، جامعه شناسی، رویکردهای جامعه شناختی به مسائل اجتماعی و از جمله آسیب شناسی اجتماعی و ضرورت و ویژگی های آن می پردازیم. در گفتار دوم به نقد اجتماعی، نقد اجتماعی و ارتباط آن با رئالیسم و جامعه شناسی ادبیات اشاره ای داریم.

گفتار سوم به بررسی ساختارهای جامعه ی ایرانی در دوره ی مورد بحث اختصاص دارد. منظور از ساختارهای جامعه ایرانی، بررسی سلسله های حاکم بر این سرزمین در این دوره و تطورات سیاسی و اجتماعی این دوره است.

در گفتار چهارم به ریشه و علل ظهور تصوف و عرفان اشاره ای داریم و آنگاه تاریخچه ی عرفان ایرانی _ اسلامی را مرور می کنیم و به ادبیات عرفانی می پردازیم.

در گفتار پنجم بر آنیم هنجارهای قرن پنجم تا هفتم را نشان دهیم تا بتوانیم از خلال آن ناهنجاری های حاکم بر زمان را بهتر در یابیم و آسیب های ناشی از ناهنجاری ها را بر شماریم.

گفتار ششم اختصاص به انعکاس آسیب های اجتماعی در آثار برگزیده و نمونه از ادبیات عرفانی این دوره دارد. با تأمل در امهات متون ادبی عرفانی این دوره به بررسی نظر عرفا درباره ی آسیب های اجتماعی و مسائل جامعه می پردازیم؛ باشد که با شناخت این آرا راهی به شناخت برخی رفتارهای اجتماعی در جامعه ایرانی بیاییم.

در سرانجام سخن آنچه از این بررسی و کند و کاو در ادبیات عرفانی و تحلیل میزان انعکاس آسیب ها در آثار ادبی دریافت کرده ایم ارائه می دهیم.

باشد که این پژوهش نارسا راهگشای پژوهشهای عمیق بعدی باشد.

تعریف مسأله و بیان سئوالهای اصلی تحقیق

ادبیات مهمترین عامل انتقال اندیشه است. ادبیات عرفانی ایران، به جهت اینکه بنیادش بر نقد جامعه ی ریا کار و منحرف از راه درست خدا شناسی استوار است، محمل خوبی برای پژوهش پیرامون آسیب هایی است که این مکتب، آنها را در جامعه ردیابی کرده است.

- ادبیات عرفانی ایران چه آسیب های اجتماعی را ردیابی کرده است و خود به چه آسیب هایی دچار شده است؟

- هنجارها و ناهنجاری های دوره ی مورد بحث چه تأثیراتی بر قالب و محتوای ادبیات دوره داشته است؟

پیشینه و اهمیت تحقیق

متأسفانه در حوزه ی نقد اجتماعی، در ایران کمتر پژوهش شده است و بیشتر تحقیقات ادبی صرفاً تذکره نویسی و احیانا "نقد فنی" بوده است. در سالهای اخیر به جهت تغییر ساختار حکومت ایران از دیکتاتوری توتالیتر به جمهوری دریافتهای درست از خطاها و آسیب های گذشته ایران بسیار ضروری است، تا از دینامیسم تاریخ ایران در آینده سود جویم. از آنجا که ادبیات عرفانی بخش عمده ای از ادبیات فارسی را تشکیل می دهد و تأثیر این آثار نیز بر مردم سرزمین ما و حتی مردم جهان غیر قابل انکار است و ادبیات به عنوان اصیل ترین و قابل اعتماد ترین مرجع برای شناخت جامعه و فرهنگ ضرورت دارد از این روست که بررسی جامعه شناسانه آثار عرفانی، در شناخت تأثیر جامعه بر ادبیات و ادبیات بر جامعه برای شناخت عمیق تر فرهنگ ضرورت دارد.

فرضیه ها

- ادبیات آینه ی تمام نمای جامعه است.
- از آنجایی که ادبیات عرفانی آزاد و رها از وابستگی های درباری و نحله ای بوده ، جایگاه قابل اعتمادی برای ردیابی آسیب های اجتماعی است .

اهداف تحقیق

- شناخت جامعه از خلال ادبیات عرفانی در دوره ی مورد بحث
- تأثیر مسائل اجتماعی بر قالب و محتوای آثار ادبی
- اصلاح جامعه از طریق آگاهی به گذشته

روش تحقیق

شیوه ی تحلیل متن با استفاده از روش گرد آوری اطلاعات ، روش کتابخانه ای و فیش برداری

گفتار اول

جامعه

جامعه^۱

واژه ی جامعه علی رغم کاربردهای فراوانی که دارد هنوز تعریفی مورد اتفاق نیافته است . در ساده انگارانه ترین و عامیانه ترین تعریف : «جامعه مترادف با ثغور ملت ها و ممالک در نظر گرفته می شود . اگر چه جامعه شناسان غالبا" در عمل نیز همین تعریف متداول را به کار می برند ولی چنین تعریفی وافی به مقصود نیست . چون جامعه ها همواره با ثغور سیاسی طرف نسبت نیستند. (مثلا" نمی توان گفت جامعه ی فلسطینی) بعضی پیروان «مارکس»^۲ برای آنکه از این مشکل اجتناب کنند « تشکیل اجتماعی » را به جای جامعه پیشنهاد کردند اما عملا" این مفاهیم برابرند و فرقی با یکدیگر ندارند .» (آبر کرامبی . ۱۳۶۷ . ص ۳۶۱)

به طور کلی می توان گفت که جامعه در اصطلاح جامعه شناسان وضع و حالت انسانها یا حیواناتی است که تحت یک قانون مشترک زیست می کنند؛ برای مثال خانواده یک جامعه ی طبیعی است . برخی دیگر نیز جامعه را گروهی از مردم می دانند که برای رسیدن به هدفی مخصوص تحت قواعد معین گرد هم آمده اند.

ماهیت جامعه:

درباره ی کیفیت و ماهیت جامعه بحث های گوناگون وجود دارد کسانی هستند که وجود جامعه را به عنوان یک مقوله ی خاص منکرند و می گویند جامعه مجموعه ای است از افراد و از اینجاست که بحث درباره ی نوع خاص بودن جامعه به میان می آید. اینکه جامعه را مجموعه ای از افراد بدانیم بسیار ساده انگارانه است؛ اگر چه جامعه از افراد پدید می آید اما ماهیت آن ماهیت یک فرد نیست بلکه اجتماع افراد کیفیت و خواص دیگری را پدید می آورد که در فرد وجود ندارد. برای مثال اگر چه بدن انسان از سلول ها تشکیل می شود، اما نمی توان گفت که کیفیت و ویژگی های بدن انسان همان ویژگی هایی است که در سلول وجود دارد یا اجسام آلی که از اتم ها تشکیل شده اند ولی

^۱-SOCIETY

^۲-K . MARX

خواص فیزیکی و شیمیایی آنها با اتم های تشکیل دهنده ی آن ها تفاوت بزرگ دارد. «لذا می توانیم بگوییم که اجتماع نوع خاص (*Suisgeners*) است عده ای دیگر به نام «ارگانوسیست ها» تصور کرده اند که می توان اجتماع را به یک ارگانسیم بزرگ^۳ تشبیه کرد. پیدایش این طرز تفکر معلول اکتشاف علوم طبیعی و تحقق این مسئله است که انواع از تکامل عضوی یکدیگر به وجود آمده اند، برخی تصور کرده اند که می توان اجتماع را نیز دنباله ی تکامل انواع دانست. (ر.ک ساروخانی . ۱۳۷۰ . ذیل جامعه)

همان گونه که گفتیم تاکنون هیچ تعریف واحدی از جامعه ارائه نشده است که پذیرش همگانی یافته باشد زیرا که هریک از کاربردهای سه گانه ی جامعه به جنبه های مهم حیات اجتماعی اشاره می کند:

«۱- جامعه به وسیع ترین معنا به کل مناسبات اجتماعی میان آدمیان دلالت دارد.
۲- هر انبوهه ای از آدمیان را ، از هر دو جنس و همه ی سنین که در یک گروه با دوام و دارای نهادها و فرهنگ کم و بیش اختصاصی خود گرد هم آمده باشند می توان جامعه خواند.
۳- جامعه را به صورت نهادها و فرهنگ یک گروه جامع و کم و بیش مشخص و بادوام از هر دو جنس و همه ی سنین، نیز تعریف کرده اند. میان تعریف های دوم و سوم ارتباط هایی آشکار وجود دارد؛ چون هر دو تعریف به دو قضیه ی اساسی و به هم پیوسته مربوط به پژوهش جامعه شناختی اشاره می کنند: یکی اینکه مردم همه جا به صورت گروه زندگی می کنند و دیگر اینکه رفتار آنها در اصل از هنجارها و ارزش های مشترک تأثیر می پذیرد.

در نظریه ی اجتماعی و سیاسی مربوط به قرون وسطی، چنان جامعه ای از اجتماع سیاسی متمایز نشده بود. انسان به این اجتماع سیاسی و کلیسا تعلق داشت؛ تمام گروه ها و مجامع، به استثنای کلیسا، که نقش سیاسی آن در معرض بحث و جدل قرار داشت و خانواده که به صورت یک «واحد طبیعی» نگریسته می شد، تابع بخشی از دولت تلقی می شدند. تمایز میان دولت و جامعه، به تدریج در طی تحولات مذهبی و سیاسی قرن های شانزدهم و هفدهم پدیدار شد تا قرن هجدهم، بسیاری از نویسندگان متنفذ فرانسوی و انگلیسی، آن ها را دو چیز هم مرز می انگاشتند. دولت صرفاً بخشی (البته بخش مهمی) از واقعیت بزرگتر جامعه محسوب می شد». (گولد و کولب. ۱۳۷۶. ص ۲۸۷)

^۳ - *Hyper organisme*